

"بسمه تعالی"

مسجد و جنبه‌های عبادی آن

مهدی سلطای رنای

مسجد از نگاه‌ی خانه‌ی خداست^۱ و از منظری دیگر مجلس و جایگاه بچم آوران بزرگ الاهی و مأوی همه‌ی تقوابشگان است:

«الْمَسَاجِدُ مَجَالِسُ الْأَنْبِيَاءِ»^۲

«الْمَسَاجِدُ بُيُوتُ الْمُتَّقِينَ...»^۳

در فرهنگ دینی، نام مسجد یادآور بندگی و کرنش در پیشگاه خداوند متعال است. مسجد به معنای جایگاه سجده و سجده اوج عبادت و بندگی انسان در برابر خداست. از این رو، توصیف این خانه‌ی بزرگ و پرشکوه را باین از زبان صاحب آن شریح و برای شناخت و نی‌بردن به گوشه‌ای از فضا ئی و عظمت این بطن مقدس، برتری راه دل سپردن به قرآن کریم است. در قاموس فرهنگ وحی، مسجد متعلق به ذات پاک‌ی است که سرچشمه‌ی همه‌ی بزرگی‌هاست:

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»^۴، و مساجد ویژه‌ی خداست؛ پس هیچ کس را با خدا

مخوانید.

پروردگاری که خود مسجد را بزرگ داشته است، به بزرگداشت آن رهن فرمان داده است^۵ و این مکان را مرکز پرستش خالصانه و توحیح ناب قرار داده است.^۶ مسجد جایگاه زمزمه و نجوای صادقانه با معبود است:

«قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأْتُمْ

۱. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۶

۲. مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۳.

۳. همان، ص ۳۶۲.

۴. سوره‌ی جن، آیه‌ی ۱۸

۵. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۶

۶. سوره‌ی جن، آیه‌ی ۱۸

تَعُوذُونَ»^۷، بگو پروردگارم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و درحالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید وی را بخوانید؛ همان‌گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی‌گردید.

مسجد پایگاه عروج انسان از خاک به افلاک است:

«سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى...»^۸، منزّه است آن [خدایی] که بنده‌اش را شبانگاهی از مسجدالحرام به سوی مسجدالاقصی - که پیرامون آن را برکت داده‌ایم - سیر داد... .

مسجد زلزله‌تگاه خاص خداوند است:

«أَلَا طُوبَى لِمَنْ كَانَتْ الْمَسَاجِدُ بُيُوتَهُ أَلَا طُوبَى لِعَبْدٍ تَوَضَّأَ فِي بَيْتِهِ ثُمَّ زَارَنِي فِي بَيْتِي»^۹، خوشا به حال بنده‌ای که در خانه‌ی خویش وضو بگید؛ آن‌گاه مرا در خانه‌ام زلزله کند.

در مسجد، انوار تابناک و بی‌آلایش پرستش برای عرش نشینان پرتوافکنی می‌کند؛ آن‌سان که ستارگان آسمان برای ما خاک‌نشینان نورافشایی می‌کنند. یکی از نقش‌های اساسی مسجد فراهم کردن زمینه‌ی عبادت پر حضور و خاشعانه است تا مؤمنان، در آنجا، با پرداختن به نماز، ذکر و دعا زنگار غفلت از دل و جان بشویند و با خداوند متعال انس بگیند. پس ساختن، تعمیر کردن و آبادان نگاه داشتن این جایگاه پرفروغ افزون بر آنکه نشانه‌ی ایمان است، فقط در قلمرو صلاحیت مؤمنان خداجوی جای گرفته است^{۱۰} تا آنان با الهام از جوهر ایمان که مایه‌ی جان‌های پاکشان گشته است، این بنا ی مقدس را از زبن برپایی «تقوا» و «خشنودی خداوند» پیریزی کنند^{۱۱}. در نتیجه، دستان ناپاکی که با گفتار و کردار بر کفر، شرک و آلودگی خویش گواهی می‌دهند از این عمارت کوتاه خواهد ماند.^{۱۲}

^۷. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۹

^۸. سوره‌ی اسراء، آیه‌ی ۱

^۹. المحاسن، ج ۱، ص ۴۷.

^{۱۰}. سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۸

^{۱۱}. همان، آیه‌ی ۱۰۹

^{۱۲}. همان، آیه‌ی ۱۷

عبادت و راز و نظر با خداوند نظر واقعی و فطری هر انسان است و مکمل شخصیت اوست. اگر چه عبادت در هر مکاری این نظر روحی را به طور نسبی تأمین می‌کند؛ ولی این نظر در مسجد و عبادتگاه بهتر و کامل‌تر تأمین می‌شود. برای اساس، انسان بنا بر فطرت خویش معبد و مسجد را دوست دارد و بدان عشق می‌ورزد. پژوهش‌های تاریخی حاکی از آن است که معبد با انسان همراه و همزاد بوده است. از این رو، معصومان (علیهم‌السلام) در سخنان خویش مسجد را آشنایه و پناهگاه مؤمن بر شمرده‌اند؛ پناهگاهی که انسان در آن از دغدغه و اضطراب فاصله می‌گیرد و به آرامش و سکون دست می‌زند.

امام صادق (علیه‌السلام) به مسلمانان سفارش می‌کند که هنگام روزهایی با مشکلات و اندوه‌های درونی به نماز و مسجد پناه ببرند. در کتاب کریم الاهی رهن رونق مسجدها تا آنجا مهم شمرده شده است که یکی از رازهای تشریح فریضه‌ی «جهاد»، پاسداری از پرستشگاه پر عظمت در برابر یرش حاکمان خودکامه و ستمگر بیان شده است.^{۱۳} هنگامی که زورمداران بر تخت می‌نشینند، مسجدها را ویران می‌کنند و در راستای رکود و کاستی آن از هیچ تلاش شومی فروگذاری نمی‌کنند. راز این امر روشن است؛ آنان با توحید و یکتاپرستی در ستیزند و مسجد تجلی‌گاه توحید است.

حضور مؤمنان خداجوی در مسجد حضوری عاشقانه و برخاسته از محبت سرشار آنان به مسجد است^{۱۴} که از عشوی فطری و نظری طبیعی سرچشمه می‌گیرد؛ همچون رفت و آمد پرندگان به آشنایه خویش.^{۱۵} ایشان به فرمان «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجِد»^{۱۶} (ای فرزندان آدم جامه‌ی خود را در هر نمازی بگریید) خود را به زینت «اخلاص» و «فرمانبرداری از حق» می‌آراهند و برای زمزمه‌ی عاشقانه با محبوب ندای «وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ»^{۱۷} را عملاً پاسخ می‌گویند.

در نگاه آنان، این محبت از عشق ورزیدن به دیگر مقدسات دینی جدایی‌ناپذیری است. آن‌ها عشق به

^{۱۳} .سوره‌ی حج، آیه‌ی ۴۰

^{۱۴} . وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۴.

^{۱۵} . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۱، باب ۳، روایت ۱۴.

^{۱۶} .سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۳۱

^{۱۷} .سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۹

مسجد و حضور در آن را حلقه‌ای از یک زنجیره می‌زنند؛ زنجیره‌ای که از چند عشق ناگسستنی و به هم پیوسته ترکیب شده است: عشق به آفرینگار جهان، عشق به حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، عشق به خاندان پاک نبطیبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، عشق به کتاب آسمانی و عشق به مسجد.

«مَنْ أَحَبَّ اللَّهَ فَلْجُجِبْهُ وَمَنْ أَحَبَّنِي فَلْجُجِبْ عِتْرَتِي وَمَنْ أَحَبَّ عِتْرَتِي فَلْجُجِبْ الْقُرْآنَ وَمَنْ أَحَبَّ الْقُرْآنَ فَلْجُجِبْ الْمَسَاجِدَ...»^{۱۸}

بهمین دلیل است که قرآن مجید آنان که دین باوران و حق‌جوطن را از ذکر و یاد خدا در مسجد باز می‌دارند بی‌درراستی آن گام می‌نهند از ستم‌پیشه‌ترین انسان‌ها معرفی کرده است و کفر ائ افراد را خذلان و خواری در پی و عذاب عظیم الهی در سرای جاودانه دانسته است:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ»^{۱۹}، و کیست بیدادگرتر از آن کس که نگذارد در مساجد خدا نام وی برده شود و در ویرانی آن‌ها بکوشد؟ آنان حق ندارند جز ترسان و لرزان در آن [مسجد]ها درآیند. در این دنیا ایشان را خواری و در آخرت عذابی بزرگ است.

مسجد کانون درخشاری است که انوار تابناک الهی را بر گستره‌ی زمین می‌پراکند: «الْمَسَاجِدُ أَنْوَارُ اللَّهِ»^{۲۰}. مسجد هم‌چنین برتری و گرمی‌ترین مکان‌های زمین شناخته شده است^{۲۱} و در جایگاه اصلی خویش بنایی است مبارک، فرخنده و به دور از کژی و گمراهی؛ آن‌گونه که اهلش ریز بر کنار از ضلالت‌اند.^{۲۲} اهل مسجد زحک می‌دانند که هرگام متواضعانه و به دور از شائبه‌ای در مسری آمدوشد به مسجد نشاری از عبودیت و خاکساری به آستان معبود است و آگاه‌اند که این قدم‌ها همگی در کتابی ثبت می‌شود

^{۱۸} . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵، روایت ۲.

^{۱۹} . سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۴

^{۲۰} . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۴۴۸، روایت ۲۰.

^{۲۱} . وسائل‌الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۴۴، روایت ۱.

^{۲۲} . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۵۵، روایت ۲.

که هیچ کوچک و بزرگی را فرو نمی‌گذارد:

«إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ»^{۲۳}، آری!

ماییم که مردگان را زنده می‌سازیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند با آثار [و اعمال]شان درج می‌کنیم و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمرده‌ایم.

دلباختگان مسجد بر حضور مداوم در خانه‌ی دوست پائیزی می‌ورزند و فقط به دنبال کسب رضوان الاهی هستند.^{۲۴} آنان ارمغان همنشینی با صدیقان و شهیدان و حضور در محفل پیام‌آوران بزرگ الاهی در بهشت را در ساعی آمدوشد به مسجد به چنگ می‌آورند.^{۲۵} نوری نصیبشان می‌شود که در پرتو آن تاریکی‌های جهان دیگر را همچون برق می‌پهچاند^{۲۶} و از سوی خداوند رحمت و آسایش آنان را در بر می‌گردد. اینان آسان از «صراط» گذر می‌کنند^{۲۷} و در کنار عشق خدا مأوی می‌گزینند.^{۲۸}

در آئین اسلام ناب و پاک محمدی (صلی‌الله‌علیه‌وآله)، مسجد مرکز نشر معارف آسمانی ری‌ز هست.^{۲۹} خداجوکن و حق‌طلبان گوهر گران‌بهای آشنایی با دین و فهم آن را در این مرکز مقدس به‌دست می‌آورند و دین را چنان که هست از زبان روحانیان دین‌باور و دانشمندان متعهد اسلامی فرا می‌گیرند. زمزمه‌ی آبی‌های جان‌فزای قرآنی، فهم گوشه‌ای از رازهای پنهان کلام الاهی و تفسیری و تبیین معارف و احکام آسمانی در این مقنن والا صورت می‌گیرد. مسلمانان علوم اسلامی گوناگون را از فقه، حدیث، تفسیری و عرفان گرفته تا تاریخ و مسائل اجتماعی - سرطری در خانه‌ی خدا فرا می‌گیرند که منزلگاه خود آن‌هاست. بدین سان است که مسجد در اسلام کانون مبارزه با جهل و ناداری می‌شود. مسجد سدی است شکست‌ناپذیر در برابر امواج وی‌انگر و برکنان براندازی که فرهنگ و اندیشه‌ی دینی را هدف قرار می‌دهد.

^{۲۳} . سوره‌ی یس، آیه‌ی ۱۲

^{۲۴} . وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۲، روایت ۶.

^{۲۵} . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۵، روایت ۴.

^{۲۶} . وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸، روایت ۵.

^{۲۷} . مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۳۶۲.

^{۲۸} . همان، ص ۳۶۵، روایت ۳.

^{۲۹} . وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۸۰، روایت ۱.

متأسفانه، با وجود این همه جلالت و منزلتی که مسجد دارد، نقش و جایگاه مهم آن حتی برای ما مسلمانان پوشیده و ناشناخته مانده است. چه بسطی کساری که خود را از این خوان گسترده، چشمه ی جوشان و درئی بی‌کران محروم کرده‌اند، با این مرکز مقدس ناآشنا و بیگانه اند و از آن توشه ای بر نمی‌گیرند و با آن الفتی ندارند. ازای روست که مسجد از آنان، به‌ویژه اگر از همسایگانش باشند، به خداوند متعال شکایت می‌کند و شکایتش هم پذیرفته می‌شود و چرین انسان‌هایی از همنشروی و قرب حق تعالی در بهشت بی‌بهره می‌شوند. رحمت الاهی با همه ی گستردگی‌اش آن‌ها را در بر نمی‌گیرد و اگر بدون عذر نمازهایشان را در مسجد نخوانده باشند، عبادتشان مقبول درگاه الهی نمی‌افتد.^{۳۰} با آنکه اولیاء و بزرگان دینی مظهر مهرباری و رحمت هستند، به چرین کساری با دینی عطوفت نمی‌نگرند.^{۳۱} مسلمانان بی‌ار دل رهن به فرمان بظہیر خویشی آنان را مؤمن خداجوی و مسلماری کامل به‌شمار نمی‌آورند.^{۳۲} اگر ما مسلمانان نمازمان را در مسجد بخوانیم، نخست امی‌های واهی دشمنان بچا و پنهان جامعه ی اسلامی را ناامید می‌کنیم و سپس به قدر توان خویش در راستای آباداری و رونق این مکان مقدس تلاش می‌کنیم تا هم در این جهان سربلند زندگی کریم و هم در جهان آخرت.

راز نامگذاری مسجد

قرآن کریم علت نامگذاری «مسجد» را چرین می‌داند: مسجد را «مسجد» گویند؛ زیرا محل سجده و مقر تواضع در برابر بپشگاه خداوند متعال است. سجده مظهر بندگی و تعظیم در برابر حق تعالی است و در میان همه ی عبادت‌ها، حتی در مقایسه با دیگر اجزای نماز رهن، شرافت و برتری ویژه‌ای دارد. بنابراین، مسجد به‌معنای محل سجده و نماز و در واقع به مفهوم جایگاه عبادت و طاعت خداوند متعال است.^{۳۳}

قرآن کریم مسجد را «بیت‌الله» رهن نامیده است.^{۳۴} راز این نامگذاری آن است که مردم در این

^{۳۰}. همان، ص ۴۷۹، روایت ۸.

^{۳۱}. همان، ص ۴۷۸، روایات ۲، ۶، ۷، ۹.

^{۳۲}. همان و علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۲۵.

^{۳۳}. سوره ی جن، آیه ی ۱۸.

^{۳۴}. سوره ی نور، آیه ی ۳۶ و وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۶۸، روایت ۵.

مکان به سوی خداوند متعال تقرب می‌جویند و با عبادت خالصانه و پر حضور به سوی او ره می‌سپارند. همان‌گونه که انسان برای یافتن کسری او را در خانه‌اش می‌جویند، برای ملاقات با پروردگار زین بای به مسجد شتافت که منزلگه اوست. پس خانه‌ی خدا در حقیقت خانه‌ی مردم و محل گردآمدن آنان برای پرستش و بندگی حق تعالی است.

قرآن همچون کعبه را خانه‌ای برای مردم به‌شمار آورده است که برترین خانه‌ی خدا روی زمین است و می‌فرماید:

«إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ»^{۳۵}، در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان [مایه‌ی] هدایت است.

مسجد کانون پرستش خالصانه

معمولاً، در قرآن کریم هر جا سخن از مسجد به مطلق آمده است، جنبه‌های عبادی آن در اولویت قرار گرفته است و نقش اولی و برتری این جایگاه مقدس به‌شمار رفته است. در آیات متعددی مسجد جایگاه عبادت و یاد خداوند شناخته شده است. قرآن کریم در آیه‌ی ۱۸ سوره‌ی جن می‌فرماید:

«وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا»، و مساجد ویژه‌ی خداست؛ پس هیچ کس را با خدا نخوانید.

در تفسیری «مجمع‌التحقیق» درباره‌ی کلمه‌ی مساجد، در این آیه، چهار معنی از مفسران نقل شده است. برخی بر آن‌اند که مراد اعضای هفت‌گانه است که انسان بای هنگام سجده آن‌ها را بر زمین بگذارد. از امام محمد تقی (علیه‌السلام) زین روایتی نقل شده است که ایشان در جواب معتصم این آیه را هم‌ین گونه تفسیر کرده‌اند.^{۳۶} برخی دیگر از مفسران بر آن‌اند که مقصود از «مساجد»، در این آیه، همه‌ی زمین است؛ زیرا

^{۳۵}. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۹۶.

^{۳۶}. وسائل‌الشیعه، ج ۱۸، ص ۴۹۰، روایت ۵.

همان گونه که گفتیم در آیه محمدی (صلی الله علیه وآله) همه‌ی زمین مسجد و پرستشگاه است. براساس نظر سوم، این کلمه در معنای نماز به کار رفته است؛ زیرا مسجد به مفهوم سجده است و مراد از سجده ریز همه‌ی نماز است. سرانجام، معنای چهارم آن است که منظور از مساجد مکان عبادت مسلمانان است؛ همان مفهومی که ذهن هر مسلمان، با شریعت و آیه‌ی مسجد، آن را به یاد می‌آورد. شایع‌ترین معنی برای آیه‌ی مورد بحث همین معنای اخیر است که برپایه‌ی آن مساجد معبد و پرستشگاه مسلمانان تفسیر شده است. این مفهوم با آنچه امام جواد (علیه السلام) در باره‌ی این آیه نقل کرده است منافات ندارد؛ بلکه ایشان با این سخن از معنای باطنی آیه پرده برداشته است. ایشان فرموده‌اند که قرآن گاه معانی مختلف هفتادگانه دارد.^{۳۷}

خداوند متعال در آیه دیگری می‌فرماید:

«قُلْ أَمْرٌ رَبِّي بِالْقِسْطِ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ»^{۳۸}، بگو: پروردگارم به دادگری فرمان داده است و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید و درحالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید، وی را بخوانید؛ همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی‌گردید.

در این آیه، در مورد معنای کلمه‌ی «مسجد» ریز مباحثی مطرح شده است؛ شبیه آنچه در آیه‌ی قبل گذشت.^{۳۹} چنانچه واژه‌ی مسجد را به معبد و پرستشگاه مسلمانان تفسیر کرده‌ام، از این آیه استفاده می‌شود که مسجد جایگاه دعا و عبادت خالصانه است؛ زیرا خداوند نخست انسان را فرمان می‌دهد که در مسجد حضور یابد و سپس از او می‌خواهد دعا و عبادت خویش را با اخلاص کامل انجام دهد و این آیه به روشی مفهوم فوق را نمازن می‌کند.

^{۳۷} . در روایتی که از پیامبر (صلی الله علیه وآله) و اهل بیت (علیهم السلام) پیرامون تفسیر آیات قرآن مجید نقل شده است، فراوان یافت می‌شود که ایشان گاه برای یک آیه معانی گوناگونی ذکر کرده‌اند. این امر گویای علم گسترده‌ی آنان به متون قرآن و معانی پوشیده‌ی آن است.

^{۳۸} . سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۲۹.

^{۳۹} . مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۴۱۱.

مسجد خانه‌ی ذکر و طاعت خدا

قرآن کریم در جایی دیگر به صراحت مسجد را جایگاه ذکر و طاعت خداوند متعال معرفی می‌کند و می‌فرماید:

«أَذِّنَ لِلَّذِينَ يُقَاتِلُونَ بَأْنَهُمْ ظَلَمُوا وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهْدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ»^{۴۰}، به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده رخصت [جهاد] داده شده است؛ چراکه مورد ظلم قرار گرفته‌اند و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست. همان کسانی که به ناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند. [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما خداست» و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند یاری می‌دهد؛ چراکه خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است.

در ارتباط با این آیات چند نکته درخور توجه است:

۱. برپایه‌ی سخن مفسران، این آیات اولین فرمان‌هایی است که در زمینه‌ی تشریح «جهاد» نازل شده است.^{۴۱} این آیات اولین نظام آسمانی است که به مسلمانان اجازه می‌دهد در برابر تجاوز و آزارهای مشرکان قریش و هر متجاوز دیگری از خویش دفاع کنند. تا پیش از نزول این فرمان، مسلمانان بارها از سوی مشرکان آزار می‌دیدند و به‌همین دلیل نزد پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) می‌آمدند و از ستم و آزار قریش گلایه می‌کردند؛ ولی پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در پاسخ آنان می‌فرمود که هنوز خداوند متعال مرا به جنگیدن فرمان نداده است.^{۴۲}
۲. در فرمانی که از سوی سخنوری حکم صادر می‌شود، چنانچه بنا باشد علت و راز صدور آن ریزه‌ریزان شود، مهم‌ترین انگیزه‌ای مطرح خواهد شد که در صدور آن نقش داشته است. در آیات طاعت شده خداوند

^{۴۰} .سوره‌ی حج، آیه‌ی ۳۹ و ۴۰

^{۴۱} . مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۸۷ و ابن هشام نیز به نقل از عروة بن زبیر و جمعی از علما می‌گوید: این آیات اولین آیاتی است که طی

آن به پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) اذن جنگ و جهاد با کافران داده شده است. رک به السیره النبویه، ج ۲، ص ۱۱۰.

^{۴۲} . همان.

در نظن رمزوراز تشریح جهاد می‌فرماید: اگر در ادلن الهی جهاد و مبارزه تشریح نمی‌شد و در نتیجه مؤمنان چیزی نمی‌شدند و دشمنان دین مغلوب نمی‌شدند، معابد و پرستشگاه‌ها ویان می‌شد. از یک سو، این نکته نشان‌دهنده اهمیت ویژه و جایگاه والای مسجد در دین است و از سوی دیگر به این موضوع اشاره می‌کند که مسجد پرچم دین و مظهر اسلام و مسلمانان است. بچم دیگر آی‌های طد شده این است که یکی از اهداف جهادگران مسلمان تلاش برای رونق‌بخشیدن به مساجد و جلوگیری از خرابی و رکود آنهاست. این مسئله آرمای مقدس و آرزوی همه مسلمانان است که صادقانه برای برپایی حکومت حق و عدل تلاش می‌کنند. این موضوع در آیی بعدی به شکلی صریح و روشن نظن شده است:

«الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَ لِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^{۴۳}، همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده وامی‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه کارها از آن خداست.

پس آرمان اساسی کسانی که برای برپایی حکومت الهی تلاش و مبارزه می‌کنند آن است که مظاهر پرستش و بندگی خداوند در زمین، مساجد، آباد و پررونق باشد. گرچه «نماز» بای همه ی تاروپود جامعه‌ی اسلامی را فرا گیرد و در همه جا برپا شود؛ اما جایگاه اصلی نماز «مسجد» است. بنابراین، تلاش بنای گسترش فرهنگ نماز در جامعه از تلاش در راه رونق و توسعه‌ی مساجد جدا نیست.

۳. خداوند در نظن وصفی از اوصاف مسجد می‌فرماید که در این مکان طد خدا فراوان می‌شود. م‌ی‌دانیم هرگاه سخنوری حکم بخواند چیزی را توصیف کند، وصف طی اوصافی از آن را بیان می‌کند که در نظر وی اهمیت ویژه داشته باشد. به‌طور طبیعی نیز کسانی که مخاطب چرین سخن قرار می‌گیرند باین به آن توجه بیشتری بکنند. در مقام توصیف ویژگی مسجد، خداوند این مکان مقدس را محلی نامیده است که «نام خداوند در آن فراوان برده می‌شود». این امر به‌صراحت مشخص می‌کند که نقش اولی و برتری مسجد در اسلام آن است که جایگاه ذکر و طد حق تعالی باشد و مؤمنان، در آنجا، خداوند را با نام‌های زیکو بخوانند

و در این جایگاه مقدس است که بشر، برپایه فطرت خود، توحیح و یگانگی خداوند را درک می‌کند و با طبع دایمی او به آرامش و اطمینان می‌رسد.

مسجد خانه‌ی تسبیح و ذکر مردان خدا

در آیه‌ی دیگری خداوند به این نکته تأکید کرده است که مسجد جایگاه حضور مؤمنان برای ذکر و تسبیح خداست و می‌فرماید:

«فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ رِجَالٌ لَا تُلْهِيهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَالْأَبْصَارُ»^{۴۴}، در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آن‌ها رفعت یابد و نامش در آن‌ها یاد شود، در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند. مردانی که نه تجارت و نه دادوستدی آنان را از یاد خدا و برپاداشتن نماز و دادن زکات به خود مشغول نمی‌دارد و از روزی که دل‌ها و دیده‌ها در آن زیور و می‌شود می‌هراسند.

علامه‌ی بزرگوار، سبیح محمدحسین طباطبایی (رضوان‌الله‌علیه)، در تفسیری این آیه سخنانی دارند که حاصل آن چنین است: در این آیه، مقصود از «رفع» بیشترکردن قدر و منزلت مسجد است؛ یعنی تعظیم و بزرگداشت آن. اساساً، عظمت و بزرگی از آن خداوند است و هر کس به همان معنایی که با خداوند پیوند دارد در عظمت و بزرگی با وی شریک است؛ پس اگر خداوند به بزرگداشت چیزی اذن می‌دهد، در واقع با توجه به پیوند و ارتباطی است که آن چیز با خداوند متعال پیدا کرده است. از آنچه ذکر گردید روشن می‌شود که راز بزرگی مسجد صفتی است که پس از کلمه‌ی «مسجد» ذکر شده است و آن «بردن نام خداوند در مسجد» است... ایشان درباره‌ی کلمه‌ی «بیت» نیز می‌فرماید که قدر مسلم از معنای آن همان مساجد است که جایگاه‌ی ویژه برای ذکر نام خداست و به همین منظور بنا شده. ایشان هنگام بحث درباره‌ی روایت‌هایی که پیامون این آیه‌ها وجود دارد نیز ب‌ذکر روایتی می‌فرماید: «خانه‌های پیامبران و

اُئمه (علیهم السلام) رهن از مصادیق کلمه‌ی نیت است».^{۴۵}

همان‌گونه‌که ملاحظه می‌شود، در این آیه رهن وصف مسجد آن است که در آن نام خداوند برده می‌شود و مردان خدا برای تسبیح حق تعالی صبح و شام بدان روی می‌آورند. این نکته به روشنی آشکار می‌کند که رسالت اولی و اساسی مسجد در اسلام این است که کانون عبادت، ذکر و تسبیح خداوند متعال باشد.

آباداری مسجد از دیدگاه قرآن

«إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ»^{۴۶}، مساجد الهی را فقط کسی آباد می‌کند که ایمان به خدا و روز قیامت آورد و نماز را به پا دارد و زکات را بپردازد و از چیزی جز خدا نترسد. امی است چرین گروهی هدایت یابند.

در منظر قرآن، منظور از آبادکردن مساجد فقط آبادی ساختمان نیست؛ بلکه به معنای اجتماع و شرکت در مسجد رهن است. بنابراین، مشرکان نه حق شرکت در مسجد را دارند و نه حق تعمیر و بنای ساختمان آن را. عمران و آباداری مسجد، به هر شکلی که باشد، بای به دست مسلمانان انجام گیرد. البته متولیان و پاسداران مساجد رهن بای از رهن پاک‌ترین افراد انتخاب شوند. از روزی که گروهی از زمامداران جبار علی ثروتمندان آلوده و گناهکار مسجد و مراکز اسلامی ساختند، روح معنویت و برنامه‌های سازنده در آن‌ها مسخ شد. از این رو، می‌بینیم که بسیاری از این مساجد، در کشورهای اسلامی، شکل مسجد ضرار به خود گرفته است. بدین معنی که ساختمان‌هایی عظیم و باشکوه هستند و جلوه‌های ظاهری و زیبایی دارند؛ اما درویشان تهی و بی‌روح است.

ممکن است بعضی بگویند چه مانعی دارد از سرمایه‌های غنی مسلمانان برای عمران و آبادی این مراکز استفاده کنیم؟ این افراد به این نکته‌ی اساسی توجه نمی‌کنند که اسلام همه جا عمل صالح را می‌وهی

^{۴۵} . تفسیرالمیزان، ج ۱۵، ص ۱۲۶ و ۱۴۲ و سیمای مسجد، ص ۴۲ و ۴۳.

^{۴۶} . سوره‌ی توبه، آیه‌ی ۱۸.

درخت ایمان می‌داند. ریخت‌های ناپاک ممکن ریخت عمل پاکی به وجود آورند و محصول مفیدی از خود بیرون دهند. جمله‌ی «لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ» در ادامه‌ی آیی روشن می‌کند که عمران، آبادی و نگهداری مساجد جز در سایه‌ی شهادت و شجاعت ممکن ریخت . هنگامی این کانون‌های اسلام‌ی به صورت مراکز انسان‌سازی در می‌آیند که پاسداران شجاعی داشته باشند؛ کساری که از هیچ‌کس جز خدا نترسند، تحت تأثیری هیچ مقام و قدرتی قرار نگیرند و برنامه‌ای جز برنامه‌های الهی در مسجد نیچده نکنند. در یک کلام ، آنچه از دیدگاه قرآن مهم‌تر است عمران و آبادی معنوی مساجد است؛ یعنی مسجد باین کانونی باشد برای جنبش‌سازنده‌ی اسلامی در زمینه‌ی آگاهی و بهاری مردم، پاکسازی محیط و آماده‌کردن مسلمانان برای دفاع از میثات اسلام. مسجد را فقط کساری باید آبادکنند که به خدا ایمان داشته باشند. آباداری مسجد فقط روی هم‌گذاشتن سنگ و آجر ریخت (کاری که چه بسا طاغوتین بهتر انجام می‌دهند)؛ بلکه رونق‌دادن به آن با اجتماع نمازگزاران، زکات‌دادن و محراب قراردادن آن برای مبارزه با شیطان نفس و دشمنان خداست . عرفا گفته‌اند: «مساجد اعضای بنده است که به وقت سجود بر زمی نهاده، عمارتش آن است که آن را به ادب شرع دارند و به زیر حرمت نظر آیند و هرگز پیش مخلوق از بهر دلی بر زمی ننهند و جز خدا ی عزوجل را استحقاق سجود ندانند».

فخر رازی درباره‌ی ارتباط زکات و عمارت مسجد می‌نویسد:

«اعتبار اقامه‌ی نماز و پرداخت زکات، در عمران و آبادی مسجد، گویایی دلالت دارد بر اینکه آبادی مسجد به حضور در آن است؛ زیرا وقتی انسان نمازگزار باشد، در مسجد حضور به هم می‌رساند و مسجد را رونق می‌بخشد و وقتی زکات‌دهنده باشد، طوایف فقرا و مساکین برای دریافت زکات به مسجد روی می‌آورند و بدین وسیله این امکان معنوی آباد می‌گردد».

تأکیدی پیشواطن دینی بر جنبه‌های عبادی مسجد

به پیروی از قرآن کریم، در سخنان معصومان (علیهم‌السلام) زین بر جنبه‌های عبادی مسجد فراوان تأکیدی شده است. دقت در عمل‌کردن به احکام و آداب مسجد نشان می‌دهد که پیشواطن دینی برآن بودند تا مسجد جایگاه‌ی مناسب باشد برای ذکر و تلاه حق‌تعالی و مؤمنان بتوانند در آنجا با حضور قلب خدا ی را پرستش کنند .

برهمین اساس، آنان مسلمانان را از انجام هر کاری باز می‌داشتند که ممکن بود مسجد را از انحراف چینی ریشی باز دارد.

آراستن مساجد با طلا، نقاشی‌کردن مسجد، خرید و فروش، قضاوت‌کردن، اقامه‌ی حدود در مسجد، راه‌دادن دیوانگان و خردسالان به مسجد، بلندکردن صدا، به‌زبان آوردن سخنان بیهوده، اعلام اشرفی گمشده و بپاشیده در مسجد و اموری از این دست می‌تواند انسان را از توجه شایسته به نماز و عبادت باز دارد. گاه اتفاق می‌افتد رفتار دیوانه‌ای در مسجد علی‌کارهای بچه‌گانه‌ی کودکانی خردسال افکار نمازگزاران را پریشان کند. اعلام اینکه چیزی بپاشی گم شده است، جمعی را از توجه به نماز و عبادت باز می‌دارد. بیهون آوردن شمشیر از غلاف علی‌آویزان کردن آن در سمت قبله‌ی مسجد ممکن است نمازگزاران را به وحشت بیندازد و آن‌ها را از عبادت باز دارد. تأکیدی بر حضور در مسجد با حالت طهارت و پاکیزگی، ترغیب نمازگزاران به آراستن خویش و استفاده از بوی خوش و برطرف‌کردن بوی بد دهان و بدن هنگام حضور در مسجد بزمین اساس است. گاه دیده می‌شود بوی ناخوشایند بدن کسی در مسجد فضا را برای دیگر نمازگزاران تحمل‌ناپذیر می‌کند و در نتیجه آنان را از توجه شایسته به خداوند باز می‌دارد. سخن‌گفتن درباره‌ی امور دنیوی بزمین محیط عبادت تناسبی ندارد؛ گفتگوی دو علی‌چند نفر درباره‌ی امور دنیوی زمینه را برای تشویش افکار نمازگزاران فراهم می‌کند.

بشواکلن دین افزون بر علن چرین احکام و دستورها بی، با تعینهای گوناگون بر این نکته پافشاری می‌کنند که مسجد اساساً برای عبادت و طاعت خدا بنا شده است. بظلمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) خطاب به شخصی که در مسجد اعلام می‌کرد چیزی را گم کرده است و هم‌چنین خطاب به کسی که دینی می‌تراشید فرمودند: «... إِنَّهَا لَغَيْرِ هَذَا بُنِيَتْ»^{۴۷}، ...مسجد را برای چرین کارهایی نساخته‌اند. از چرین سخنانی به‌روشنی استفاده می‌شود که مسجد، در اسلام، محلی برای عبادت و طاعت خداست. لحن این گفتارها این نکته را نشان می‌دهد که مسجد مرکز عبادت و بندگی خداست و چنان در باور مسلمانان مسئله‌ای روشن بوده است که

عظیمبر (صلی الله علیه وآله) فقط به طین این سخن اکتفا کرده است که «مسجد را برای این کارها نساخته‌اند».^{۴۸} گرچه در مواردی، برای تیار کردن غافلان، به نقش و رسالت اولیوی مسجد اشاره شده است. بیامبر (صلی الله علیه وآله) خطاب به کسی که در مسجد شعر می‌سرود فرمودند:

«إِنَّمَا نُصِبَتِ الْمَسَاجِدُ لِلْقُرْآنِ»^{۴۹}، مساجد را برای قرآن خواندن ساخته‌اند.

و در مقام طین فضیلت مسجدسازی نیز فرموده‌اند:

«مَنْ بَنَى مَسْجِدًا يُذَكِّرَ اللَّهُ فِيهِ بَنِي لَهُ بَيْتٌ فِي الْجَنَّةِ»^{۵۰}، کسی که مسجدی را به این انگیزه که طد

خدا در آن شود بنا نهد، خانه‌ای در بهشت برای او ساخته می‌شود.

چرین سخناری به روشری رسالت اولیوی مسجد را بیان می‌کند که همان پرستشگاه بودن آن است.

منبع: دفتر مطالعات و پژوهشهای مرکز رسیدگی به امور مساجد

^{۴۸}. رحیم نوبهار، سیمای مسجد، ص ۴۷ و ۴۸.

^{۴۹}. وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۲۱۳.

^{۵۰}. روضه الواعظین، ج ۲، ص ۳۷۷.